

تصور ذهنی و تجربه عینی زنان از امنیت

(مورد مطالعه: زنان شاغل در بخش غیررسمی در شهر همدان)

علی محمد قدسی^۱

اسدالله نقدی^۲

محبوبه رویین تن^۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۳

چکیده

مقوله زن و شهر، از حوزه‌های جدید مطالعات شهری است. سرزندگی فضای عمومی و ارتقای کیفیت محیط، در گرو حضور افراد و تعامل‌های اجتماعی فارغ از سن، جنسیت، نژاد، قومیت، گروه‌بندی اجتماعی و توانایی‌های فردی است. در شهرسازی انسان‌گرا، بر نیازهای گروه‌های خاص مانند زنان، کودکان، سالمندان، جانبازان و معلولان، و دسترسی آسان و استفاده آنان از فضاها تأکید می‌شود. یکی از پیش‌شرط‌های مناسب‌سازی فضای شهری، فراهم‌کردن امن‌ترین فضا برای حضور و فعالیت زنان، بدون تفاوت‌های جنسیتی غیرضروری است. تصویر ذهنی زنان از فضاهای شهری، حول دو مفهوم کلیدی احساس امنیت و ترس از فضا شکل می‌گیرد و این امر بر گرایش زنان به فعالیت تأثیرگذار است. تجربه ترس بر حضور زنان در حوزه عمومی اثر می‌گذارد. در واقع، در یک فضای جنسیتی‌شده، احساس امنیت و امنیت زنان کاهش می‌یابد و رابطه‌ای معکوس میان فضا و امنیت به‌وجود می‌آید. در این پژوهش، با استفاده از چارچوب نظری منتخب با تأکید بر مکتب کپنهاک، به‌ویژه دیدگاه بوزان و به روش پیمایشی، حجم نمونه‌ای شامل ۲۰۵ زن شاغل مطالعه شدند. مطابق نتایج، بعد ذهنی بالاتر از بعد عینی است، اما بیش از ۵۰ درصد از جامعه مورد مطالعه، تجاربی از ناامنی عینی را اعلام داشته‌اند. با توجه به یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت را جنسیت تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، صرف زن بودن، بیش از سن، تحصیلات و نوع فعالیت و پایگاه برای زنان ناامنی ایجاد می‌کند. شاید به همین دلیل است که براساس یافته‌های این مطالعه، نگرش زنان به فعالیت در پاساژ، پس از ورود منفی‌تر شده است. مهم‌ترین مشوکان زنان برای ورود به پاساژ، نه خانواده‌ها بلکه خود آنان و دوستانشان بوده‌اند. با توجه به این تغییرات و روند افزایش حضور و کار زنان در فضاهای شهری مانند فروشگاه‌ها، مراکز تجاری... لازم است نظام بیمه و حقوق صنفی این دسته از زنان که میانگین حقوق دریافتی آنان (در مطالعه حاضر) حدود ۳۰۰ هزار تومان در ماه برای حدود ده ساعت کار در روز است، بررسی شود. الزام سازندگان ساختمان به در نظر گرفتن اتاق کودک و شیردهی و استراحت در همه پاساژها، تعبیه سرویس‌های بهداشتی مخصوص بانوان، صدور کارت مباشرت، پوشش حداقل دستمزد و... برخی از مواردی است که باید به آن توجه کافی صورت گیرد.

واژه‌های کلیدی: اشتغال غیررسمی، امنیت، پاساژ، تجربه عینی، تصور ذهنی، فضای جنسیتی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، ghodsi@basu.ac.ir

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)، naghdi@basu.ac.ir

۳. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، termeh_mr@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

شهر مدرن، انواع خطرها را نیز ایجاد کرده است. این خطرها، علاوه بر اندازه و مقیاس شهری، تابع متغیرهایی مانند گمنامی، سستی نظارت اجتماعی و چشم ناظر ضعیف‌تر در عرصه‌های شهری محصور و بی‌دفاع، غریبگی، ازدحام و... هستند. به همین اعتبار، با نگاهی به گسترش شهرنشینی و روند آن در ایران، می‌توان دریافت که برقراری امنیت در ساختار شهری و برخورداری شهروندان از آن، در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، محیطی و همچنین روانی، اهمیت زیادی دارد. در واقع، برقراری امنیت زمینه‌ها و پیش‌نیازهای اجتماعی، حرکت به سوی توسعه و پیشرفت را فراهم می‌آورد و یکی از پیش‌شرط‌های دستیابی به عرصه عمومی به‌شمار می‌رود. عرصه عمومی، ضامن تحقق جامعه مدنی است. تشویق گروه‌های خاص - مانند زنان و کودکان که در گذشته حضور کم‌رنگ‌تری در قلمروهای عمومی داشتند - به حضور در فضای عمومی یا فراهم کردن دسترسی برابر همه افراد و گروه‌ها به آن، از ویژگی‌های عرصه عمومی به‌شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور زنان در عرصه عمومی، ترس از بزه‌دیدگی یا تعرض به وسیله رفتارهای غیرمدنی و خشونت است. درحقیقت، امنیت مهم‌ترین مسئله‌ای است که زنان برای حضورداشتن یا نداشتن در اجتماع با آن روبه‌رو هستند (نوروزی، ۱۳۸۸: ۲).

زندگی مدرن شهری، با تراکم جمعیت از یک سو و تراکم اخلاقی از سوی دیگر، مناسبات و روابط اجتماعی را سرد، شکننده و بی‌روح می‌کند. اغلب در این شرایط، کنشگر نه‌تنها بر پایه میزان امنیت واقعی اعلام‌شده، بلکه براساس برداشت شخصی از امنیت دست به عمل می‌زند. در این میان، غیر از امنیت واقعی، عوامل دیگری نیز در این برداشت از امنیت نقش دارند. در واقع، امنیت عینی، تنها یکی از منابع تأثیرگذار بر احساس امنیت است (باباخانی، ۱۳۸۸: ۱). امنیت را می‌توان از دو بعد تعریف کرد: احساس امنیت و امنیت واقعی. این دو بعد، علی‌رغم ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر، همواره یکی نیستند. امنیت واقعی، بر مبنای احتمال خطرهای مختلف و مؤثر بودن اقدامات پیشگیرانه امنیتی اندازه‌گیری می‌شود. با انجام‌دادن این محاسبات می‌توان گفت که تا چه حد، ساختمان‌های مسکونی یک محله از سرقت در امان است یا احتمال قتل یک فرد، در خیابان یا در منزل شخصی‌اش چقدر است. باین‌حال، امنیت بعد دیگری نیز دارد که نه بر احتمالات و محاسبات ریاضی، بلکه بر واکنش‌های روان‌شناختی فرد به تهدیدهای محیطی استوار است. این بعد که از آن به نام احساس امنیت یاد می‌شود، مقوله‌ای ذهنی است و از فردی به فرد دیگر متفاوت است. از این‌رو، در شرایط امنیتی یکسان، افراد مختلف ممکن است احساس‌های متفاوتی

در زمینه امنیت داشته باشند (سنیز، ۲۰۰۸: ۱). در واقع، امنیت سکه‌ای است که یک روی آن بعد عینی و ملموس امنیت و روی دیگرش بعد ذهنی و احساسی آن است. به عقیده گابریل و گریو (۲۰۰۳) احساس ناامنی، به‌طور مفهومی به واکنش احساسی ایجاد می‌شود و به ابزار جرم یا نمادهای مربوط به آن اشاره دارد.

حضور زنان در فضاهای شهری، یکی از شرط‌های اصلی تکوین متعالی این فضاها و ارتقای کیفی حوزه عمومی در هر جامعه است (نادری، ۱۳۹۲: ۵۳). در دهه‌های اخیر شاهد افزایش سریع مشارکت نیروی کار زنان در بیشتر مناطق جهان هستیم. شواهد نشان می‌دهد وضعیت اشتغال زنان در همه جوامع، تابعی از نیاز جامعه و اهداف فردی زنان از جمله اشتغال، فراهم‌بودن زمینه‌های مناسب یا شرایط خاص سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاکم بر آن جامعه است (مصفا، ۱۳۷۵: ۱۰).

به اعتقاد دیویس^۱ (۱۹۸۴) و کوترا^۲ و همکاران (۲۰۰۱)، افزایش چشمگیر میزان اشتغال زنان در جهان، از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، مهم‌ترین مشخصه «انقلاب در نقش‌های جنسیتی»^۳ به‌شمار می‌آید (فروتن، ۱۳۹۰: ۳۹).

بیشتر این زنان، به دلیل کمبود فرصت اشتغال در بخش رسمی، وارد بخش غیررسمی می‌شوند. عواملی مانند تبعیض‌های جنسیتی در بازار کار، عوامل فرهنگی و مسئولیت زنان نسبت به خانواده و فرزندان، از جمله عوامل گرایش زنان به اشتغال غیررسمی هستند (اسکاپ^۴، ۲۰۰۶: ۶). در این میان، «ضعف زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی» که زمینه‌های حضور زنان در اشتغال رسمی را نداشتند، «موانع فرهنگی» مانند تفاوت و تبعیض در فرایند اجتماعی‌شدن زن و مرد، حاکمیت تفکر مردسالاری در جامعه و «موانع اجتماعی» نظیر تفکیک جنسیتی آموزشی، قوانین ناظر بر خانواده، جو تبعیض در ساختار اشتغال در ایران و نحوه گزینش نیروی کار سبب شد این افراد که امید چندانی در دستیابی به اشتغال در اقتصاد رسمی شهر نداشتند، ناگزیر جذب مشاغل غیررسمی شوند (توکلی والا، ۱۳۸۵: ۸). علاوه بر آن، «بازار کار و بخش خدمات» نیز برای دسترسی به نیروی کار ارزان‌تر و تأمین سود بیشتر، ناگزیر از آماده‌کردن بازار کار غیررسمی برای حضور زنان شد (درویش‌پور، ۱۳۸۰: ۲۹).

1. Kingsley Davis
2. Cotter
3. Revolution in gender roles
4. Escap

بدین ترتیب، علاوه بر اجباری که از طریق برخی مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی برای محدود کردن حضور زن در بخش غیررسمی بر او وارد می‌شد، مشوق‌هایی نیز از سوی بخش خدمات فراهم آمد تا زنان به سمت بازار کار غیررسمی سوق پیدا کنند؛ به طوری که زنان با رانش از بخش رسمی و کشش از سمت بخش خدمات روبه‌رو شدند. در واقع، اگرچه هنگام تعریف از عرصه عمومی، آن را دسترسی‌پذیر برای همه تعریف می‌کنیم، برخی از محیط‌ها به صورت تعمدی یا غیرتعمدی، برای بخشی از جامعه دسترسی‌پذیری کمتری دارند. داشتن شغل و تحصیلات هم‌تراز با مردان، برای زنان پدیده‌ای مدرن به حساب می‌آید. این مقوله، زائیده الگوی مردانه پیشرفت در ذهنیت زنان شهری است. فضاهای اشتغال و تحصیل، به دلیل سابقه تاریخی حضور مردان و حاکمیت این جنس، فضاهایی به شدت مردانه هستند. با وجود این، شهر فرصت‌های بسیاری برای زنان مهیا می‌کند (نقدی، ۱۳۹۰: ۲۰۶).

یکی از مشکلات عمده زنان در این زمینه آن است که زن تا حد زیادی در این محیط‌ها با جسم خود مشاهده و ارزیابی می‌شود. این برای زنان حاوی یک پیام است: «زن حتی در مردانه‌ترین عرصه‌های زندگی اجتماعی، از آسیب‌های جسم زنانه خود در امان نیست.» ناامنی، ترس، نبود اعتماد به نفس، بی‌اعتمادی محیط مردانه به توانایی‌های فردی زن و بی‌ثباتی ذهنی زنان، ناشی از این امر است. علاوه بر این، زن توجهی زنانه به محیط خود دارد؛ یعنی به حضور در فضاهایی شبیه خانه گرایش دارد و به همین سبب، منطق ذهنی او منطبق با منطق حاکم بر حوزه خصوصی درون خانواده است. این زنان وارد فضاهایی با هنجارهای حاکم مردانه می‌شوند که مبتنی بر برخورد ابزاری با محیط است؛ درحالی‌که آنان خواهان ارتباط صمیمانه با محیط هستند (نادری، ۱۳۹۲: ۲۳).

اشتغال زن، تحت شرایط خاص و با تبعات فراوان امکان‌پذیر است که مهم‌ترین آن، امنیت کم محیط‌های اجتماعی و احساس ناامنی زن در محیط کار است. امنیتی که هم از بعد عینی یعنی خود امنیت، و هم از بعد ذهنی یعنی احساس امنیت مورد توجه است. با اینکه در بعضی جوامع ضریب امنیت بالاست یا مقامات اعلام می‌کنند که در جامعه امنیت زیادی وجود دارد، احساس ناامنی در افراد تقریباً زیاد است. احساس امنیت، از ذهنیت افراد در جامعه ناشی می‌شود؛ یعنی به احساس روانی شهروندان از میزان وجود یا نبود جرم در آن جامعه بستگی دارد. بدین معنا که افراد متعدد، براساس پیشینه و تجربه‌شان، تعبیر متفاوتی از محیط دارند (مدنی‌پور، ۱۳۷۹: ۹۴). در این میان، ادراک زنان براساس مؤلفه‌های ذهنی‌شان متفاوت با مردان است و جنسیت، به‌عنوان تأثیرگذارترین

عامل در احساس ناامنی مطرح می‌شود. به‌طورکلی، زنان بیشتر از مردان احساس ترس می‌کنند، اگرچه ممکن است کمتر از مردان قربانی خشونت در محیط‌های عمومی شهر شوند (گزارش کنفرانس لندن، ۲۰۰۳ به نقل از به مانیان، رفیعیان و ضابطیان). از دیدگاه استانکو (۱۹۹۲)، ترس یا همان احساس ناامنی، در زنان سه برابر مردان است؛ ترسی که سبب شک در روابط اجتماعی می‌شود و کناره‌گیری زنان از عرصه اجتماع را به‌دنبال دارد. استانکو معتقد است زنان همواره با ترس از دنیای بیرون جامعه‌پذیر می‌شوند. ایریس مایرون یانگ^۱ معتقد است که از کودکی به زنان آموزش داده می‌شود از محیط بیشتر بترسند و کمتر در محیط‌های بیرونی حرکت و فعالیت داشته باشند (نادری، ۱۳۹۲: ۴۸). وی معتقد است بیشتر زنان دچار محدودیت‌های اشغال فضا و تحرک کمتر در مشمولیت در فضا هستند. هویت مردانه و زنانه فضاها به‌واسطه دوگانگی‌ها و تضادهایی ایجاد شد که جای زن را در خانه و جایگاه مردان را فضای بیرون خانه و قلمرو عمومی اعلام کرد (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۰۹).

درحقیقت، یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم در فضاهای عمومی، ترس یا احساس ناامنی است. الین (۱۹۹۷) معتقد است: «اگر مردم فضایی را به‌دلیل عدم راحتی یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است.» ترس به‌عنوان عاملی مهم در حضورنداشتن زنان در فضاهای عمومی مطرح می‌شود. اگرچه جرم‌های عمومی کمتر متوجه زنان هستند، این واقعیت غیرقابل‌انکار است که زنان در مقایسه با مردان فرصت کمتری برای حضور در فضا دارند. این واقعیت، به‌عنوان «تضاد ترس» مطرح می‌شود (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

پیشینه مطالعاتی پژوهش

مختاری و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند که در شهر یاسوج، تفاوت معناداری میان جوانان و سالمندان، افراد مجرد و متأهل، لرها و سایر اقوام و... از نظر احساس امنیت اجتماعی وجود دارد. همچنین بین متغیرهای مستقل پایگاه اقتصادی-اجتماعی، اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، نگرش به عملکرد پلیس و متغیر وابسته احساس امنیت اجتماعی رابطه مثبت دیده شد. نوروزی و فولادسپهر (۱۳۸۸) در بررسی احساس امنیت اجتماعی زنان نشان دادند که متغیرهای محل سکونت، پایگاه اقتصادی و اجتماعی و احساس نظم اجتماعی تأثیر مثبت و مستقیم، و متغیرهای پایبندی مذهبی تأثیر منفی و معکوس بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. مطالعه امینی (۱۳۹۴)

در شهر شیراز نیز مشخص کرد متغیرهای مستقل سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و بی‌سازمانی اجتماعی دارای قوی‌ترین میزان هم‌بستگی، و متغیر حمایت اجتماعی دارای کمترین میزان وابستگی با متغیر وابسته احساس امنیت در بین شهروندان شهر شیراز است. مطابق یافته‌های پژوهش گودرزی و همکاران (۱۳۹۴)، بین سطح خرد و کلان امنیت در کشور رابطه معنادار وجود دارد و احساس امنیت، ناشی از تجربه‌های مستقیم و غیرمستقیم افراد از شرایط و اوضاع محیط، و امکاناتی است که ساختار نظام اجتماعی (سطح عینی و کلان امنیت) در اختیارشان می‌گذارد.

مؤسسه تحقیقاتی Gora (۲۰۰۵) تحقیقی در زمینه نگرش به امنیت عمومی ژاپن انجام داد که در آن، تأثیر روند رو به افزایش جرم و جنایت بر افکار عمومی و درک از احساس امنیت بررسی شد. در این پژوهش پیمایشی، جامعه آماری شامل ۱۱۸۰ نفر از افراد بالای ۲۰ سال (۵۸۹ زن و ۵۹۱ مرد) است. مطابق نتایج، از دیدگاه ۵۳/۱ درصد پاسخگویان، امنیت عمومی در ژاپن ضعیف‌تر شده است. ۳۶/۳ درصد پاسخگویان نیز معتقدند امنیت عمومی در ژاپن بسیار ضعیف‌تر از قبل است. مرکز مطالعات جمعیتی دانشگاه ادواردو ماندلان (۲۰۰۶) با حمایت مالی دولت بریتانیا، پژوهشی در زمینه احساس امنیت مردم موزامبیک در سه استان این کشور انجام داده است. هدف اصلی این تحقیق، بررسی امنیت و احساس آن در محیط کار و زندگی مردم است. جامعه آماری شامل ۱۲۲۰ خانوار و ۶۳۳۰ نفر از اعضای این خانوارهاست. مهم‌ترین عواملی که سبب احساس ناامنی مردم شده‌اند، عبارت‌اند از: سرقت کالای شخصی، جرائم فیزیکی، بی‌کاری و بیماری. برای افزایش احساس امنیت، افزایش تعداد افراد خانواده‌ها، سوادآموزی و آموزش مردم، تأمین خدمات درمانی، تأمین امکانات اولیه زندگی و افزایش اشتغال پیشنهاد شده است. یکی از تجارب جهانی انجام‌گرفته در موضوع پژوهش، مطالعات انجام‌شده در زمینه امنیت زنان به‌وسیله پین^۱ با عنوان «تجربه زنان از ترس در محیط‌های ساخته‌شده، مطالعه موردی: دو شهر ادینبورگ و هلسینکی^۲» است. پین در این تحقیق، ماهیت رابطه میان ترس زنان و محیط ساخته‌شده را به‌صورت عمیق در دو شهر ادینبورگ و هلسینکی بررسی می‌کند. مطابق نتایج، ویژگی‌های محیطی-کالبدی متفاوت در دو محیط، عامل احساس ناامنی و ترس زنان است. ترس ممکن است مربوط به همه فضاها باشد (هم فضاهای خلوت و هم شلوغ، هم فضاهای باز و هم بسته) (کوسکلا و پین، ۲۰۰۰: ۲۷۳).

آدومیرکو (۲۰۰۲) در بررسی «ترس از جنایت در میان ساکنان سه اجتماع در غنا، شهر آکرا» به این نتیجه رسید که جنسیت، عامل تعیین‌کننده ترس از جنایت در آکراست. این امر به دلیل آسیب‌پذیری زنان است که در بیشتر جوامع وجود دارد. یافته مهم دیگر، تأثیر تحصیلات بر ترس از جرم است. نتایج بیانگر آن است که افراد بدون تحصیلات، احساس امنیت کمتری دارند. مقاله ویل و مک‌گرا^۱ در آمریکا با عنوان جرم و جنایت، طرز تلقی‌ها از محل زندگی و طبقات پایین (جامعه) و ارتباط میان احساس ناامنی و موقعیت طبقه اجتماعی نشان داد که زنان، کهن‌سالان و شهرنشینان، در مقایسه با مردان، جوانان و ساکنان مناطق غیرشهری، بزه‌دیدگی بیشتری را ابراز کرده‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

درمورد امنیت، دیدگاه‌های بسیاری با رویکردهای مختلف ارائه شده است. مطابق پژوهش‌های مختلف، احساس ناامنی در گروه‌های متعدد جنسی، سنی، قومی، مذهبی و شغلی به یک اندازه نیست (علیخواه و ربیعی، ۱۳۸۵: ۱۱۰). ابعاد و شاخص‌های امنیت، بر پایه دیدگاه‌های پارسونز تفکیک شده است. از نظر پارسونز، جامعه نظامی اجتماعی است که از خرده‌نظام‌های اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع تشکیل شده است که با یکدیگر در ارتباطند. بدین ترتیب، امنیت خرده‌نظام‌های جامعه، امنیت داخلی آن را تأمین می‌کند. امنیت داخلی را نیز می‌توان در دو سطح خرد و کلان در نظر گرفت. در سطح کلان، امنیت داخلی برآیند هماهنگی و همکاری چهار حوزه مذکور است؛ بنابراین، می‌توان به چهار بعد امنیت در سطح کلان یعنی امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت فرهنگی و امنیت اجتماعی اشاره کرد. متناظر با این ابعاد، می‌توان برای امنیت در سطح خرد نیز چهار بعد در نظر گرفت. این چهار بعد عبارت‌اند از: ۱. امنیت اقتصادی ۲. امنیت جانی، ۳. امنیت فکری و ۴. امنیت گروهی. در این معنا، امنیت فردی شهروندان، محصول و برآیند امنیت در جان، مال، فکر و اجتماع آن‌هاست. کلمنتس^۲ (۱۹۹۰) از لحاظ مرجع امنیتی، سه نوع امنیت را تشخیص می‌دهد: ۱. امنیت ملی^۳ با محوریت دولت، ۲. امنیت جهانی^۴ با مبنا قراردادن سیستم بین‌المللی و ۳. امنیت انسانی^۵ یا فردی با مرجعیت فرد.

1. Will and McGrath
2. Kevin Celements
3. National security
4. Global security
5. Human security

استانکو^۱ نیز معتقد است که احساس ناامنی در زنان همواره سه برابر مردان است و مهم‌ترین دلایل این امر را موارد زیر می‌داند: الف) زنان توانایی جسمی کمتری در دفاع از خود دارند؛ ب) زنان تمایل زیادی برای یادآوری تجارب اولیه زندگی از ترس و تسری آن به سایر موقعیت‌های زندگی خود دارند؛ ج) نگهداری و حفاظت از کودکان، زنان را بیشتر مستعد احساس ناامنی می‌کند؛ د) زنان کنترل کمتری بر حیطه خصوصی‌شان دارند (طاهری و ربانی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

گیدنز با اشاره به نقش محوری رسانه‌ها در این میان، تأثیرگذاری حوادث و اتفاقات فواصل مکانی بسیار دور بر زندگی روزمره انسان‌ها را از مهم‌ترین مؤلفه‌های دوران مدرنیته می‌داند و معتقد است که باخبرشدن از حوادث یا مخاطرات بسیار دور، درنهایت به احساس مخاطره می‌انجامد. اگرچه امنیت اجتماعی، بر همه زوایا و سطوح زندگی اثر می‌گذارد و به‌عنوان یکی از نیازهای اولیه بشر مطرح است، با بسیاری از فرایندهای اجتماعی تأثیر و تأثر دارد که از میان آن‌ها می‌توان به رسانه‌های جمعی اشاره کرد. این رسانه‌ها به‌دلیل کارکرد و نقش‌های فعالی که در دنیای امروز دارند، بر بسیاری از جنبه‌های گوناگون زندگی سایه می‌افکنند و آثار تردیدناپذیری بر جای می‌گذارند؛ تا جایی که اندیشمندانی مانند مک‌لوهان، دیوید رایزمن، فریدنیا و تونیس، تحولات تاریخی و دوره‌های متعاقب آن را ناشی از ظهور وسایل ارتباط جمعی جدید و فناوری‌های وابسته به آن دانسته‌اند.

تعامل اجتماعی در فضاهای شهری

فضای باز شهری، بستر ارتباطات و تعامل‌های اجتماعی شهروندان است. حضور مثبت افراد در فضاهای باز شهری، تعامل اجتماعی و حس تعاون و شهروندی را ارتقا می‌دهد. از دلایل اهمیت چنین فضاهایی، امکان برقراری روابط و برخوردهای اجتماعی، جلوگیری از بروز مشکلات روانی، افسردگی، تقویت اعتمادبه‌نفس و... است (پاکزاد، ۱۳۸۴: ۵). لذت از حضور در فضاهای شهری و برقراری روابط اجتماعی حق تمامی شهروندان است؛ بنابراین، زنان نیز باید از حضور در این فضا لذت ببرند.

یکی دیگر از نیازهای بسیار مهم هر انسان، نیاز به برقراری رابطه با دیگران است که در این بخش به‌عنوان نیاز انسان‌ها مطرح می‌شود. این نیاز زمینه‌ساز حضور افراد در فضا می‌شود. لنگ^۲ در این زمینه دو دلیل عمده را بیان می‌کند. روابط متقابل اجتماعی از آن جهت لازم است که احساس تعلق و دوست داشته‌شدن را در افراد ایجاد می‌کند؛ بنابراین، فضاهایی که این ارتباطات را فراهم

می‌سازند، مطلوب‌اند (لنگ، ۱۳۸۶: ۲۵؛ مطلبی، ۱۳۸۰: ۶۱). علاوه‌براین، از دیدگاه نیومن^۱ در مناطق کوچکی که روابط انسانی زیاد است، میزان جرم و جنایت کاهش می‌یابد؛ زیرا تعهدات اجتماعی و توجه افراد به یکدیگر زیاد است و امکان منزوی شدن افراد وجود ندارد؛ بنابراین، فضای خوب باید به نیازهای ارتباطی شهروندان پاسخگو باشد (لنگ، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۶).

کریستین دی^۲

در بسیاری از تحقیقات رفتاری-محیطی، محدودیت‌های مؤثر بر استفاده زنان از فضای عمومی مطالعه شده است. محدودیت‌ها شامل محدودیت منابع (مانند محدودیت مالی)، احساسات منفی (مانند استرس و ترس)، مسئولیت‌های بازدارنده (مانند کارهای خانه و مراقبت از کودکان) و شرایط و هنجارهای اجتماعی محدودکننده (مانند هنجارهای جنسیتی محدودکننده، برنامه و طرح‌های افراطی) است (کریستین دی، ۲۰۰۰).

ایریس ماریون یانگ^۳

به بیان یانگ، از کودکی به زنان آموزش داده می‌شود از محیط خود بیشتر بترسند و در محیط‌های بیرونی، کمتر حرکت و فعالیت داشته باشند. همین مسئله در مقیاس وسیع‌تر، دوگانگی خانه (به‌عنوان محیط زنانه) و قلمرو عمومی (به‌عنوان محیط مردانه) را ایجاد می‌کند و در سطح انتزاعی، پایه‌ای برای دوگانگی‌های سلسله‌مراتبی (خیالی/واقعی، ذهنی/جسمی، فرهنگی/طبیعی) می‌شود (نادری، ۱۳۹۲: ۴۸).

اشتغال زنان

والنتاین مقدم^۴ معتقد است افزایش جمعیت شهری، جنگ و گسترش بخش دولتی پس از انقلاب، از دلایل افزایش اشتغال زنان است. در واقع، ضرورت‌های اقتصادی مانند کمبود نیروی متخصص، نیاز به نیروی کار ارزان و نیز ضرورت‌های ناشی از جنگ اهمیت حضور زن در بازار کار را اجتناب‌ناپذیر کرد. از سوی دیگر، زنان با تلاش برای تحصیل بیشتر و باقی‌ماندن در محیط کار، با روند خانه‌نشینی شدن مقابله کردند (به نقل از درویش‌پور، ۷۳).

1. Newman
2. ChristianDei
3. Iris Marion Young
4. Valentine Moghadam

بارتکی

بارتکی^۱ در *زنانگی و استیلا*^۲ از پدیده‌ای با عنوان سرکوب روانی^۳ در زندگی زنان سخن می‌گوید. وی در ابتدای کتاب، با نقل جملاتی از کتاب پوست سیاه، ذهن سفید^۴ فرانتس فانون، از بیگانگی روانی مردان سیاه سخن به میان می‌آورد و در نهایت، شباهت و خویشاوندی بسیاری میان خود، به‌عنوان یک زن سفیدپوست آمریکایی با سیاه‌پوستان در فرایند سرکوب روانی می‌بیند. «سرکوب روانی یعنی بی‌ارزش شدن در ذهن خود و یعنی اجرای حاکمیت بسیار خشن بر اعتمادبه‌نفس خود. سرکوب‌شدگان روانی، در واقع سرکوب‌شده خود هستند و حاکمیتی بسیار سخت و خشن بر اعتمادبه‌نفس خود اعمال می‌کنند. به‌عبارت دیگر، سرکوب روانی می‌تواند به‌عنوان درونی‌کردن درک بر فرودستی خود شناخته شود» (بارتکی، ۱۹۹۰: ۲۰). انسان سرکوب‌شده روانی، فردی در چنگال فشار دوگانه جامعه است. از یک سو جایگاه انسانی او تأیید می‌شود و از سوی دیگر در بسیاری از موقعیت‌ها از کارکردهای انسانی او ممانعت صورت می‌گیرد (همان: ۲۰). این فرایند، به‌گونه‌ای نادیده‌گرفتن درونی انتخاب‌های مستقل فرد و جداکردن بسیاری از کارکردهای انسانی فرد از اوست. این سرکوب، شباهت بسیاری به مفهوم ازخودبیگانگی مارکس دارد. بارتکی مصداق اعمال استیلا بر زنان از طریق فرهنگ را این می‌داند که تمامی گزاره‌های زندگی زنان، بیانگر فرودستی آنان و فرادستی مردانه است. این مسئله، شباهت بسیاری به درک جوامع استعمارشده از خود، زیر سلطه جوامع و انسان‌های غربی دارد، اما وی به‌صراحت وضعیت زنان را بسیار اسفبارتر از درک انسان جامعه استعماری از خود تلقی می‌کند. به بیان وی، «اما در واقع، انسان‌های استعمارشده هم نیستیم. ما هیچ‌وقت بیش از یک نیمه انسان نبوده‌ایم» (نادری، ۱۳۹۲: ۵۸). زنان مقید به الگوی زنانه پیشرفت، زنانی هستند که علاقه و تمایل بیشتری به حضور در فضاهای شبیه خانه دارند. زندگی در خانه، مصداق بارز نگاه مراقبتی زنان به محیط است که اسمیت از آن سخن می‌گوید. در این نگاه، تشخیص فرد به‌عنوان «سوژه شناسای جهان» بسیار اندک است؛ زیرا این مسئله مستلزم نگاه و تأمل در خویشتن است و به ازبین‌رفتن و کمرنگ‌شدن توجه زنانه به محیط - که مهم‌ترین بخش خانه‌داری خوب است - منجر می‌شود. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در اثر همین تعلق دوگانه به فضای خانه و بیرون از خانه است که اولین ورود زنان به حوزه عمومی، در مراکز خرید دیده می‌شود. تجربه سوژگی و خطاب‌شدن در ناخودآگاه تاریخی زن در الگوی مادر، همواره در شرایطی

1. Sandra Lee Bartky
2. Femininity and domination
3. Psychological oppression
4. Black skin, white mind

روی داده که او در زندگی، با بحران و تشویش‌هایی مواجه بوده است. این احساس خلأ و سوژگی، دو حس غیرقابل تفکیک در تجربه روزمره زنان سنتی و مقید به الگوی مادر بوده است.

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر پیمایشی است و جامعه آماری آن شامل زنان شاغل در بخش اشتغال غیررسمی در شهر همدان است. حجم نمونه تحقیق، از طریق تمام‌شماری در پاساژهای منتخب به دست آمده است. برای اندازه‌گیری متغیرها و گردآوری اطلاعات، از «پرسشنامه محقق‌ساخته» استفاده شد که در آن، سؤالات براساس چارچوب نظری، فرضیه‌ها و متغیرها تهیه شدند. همچنین برای بخشی از مطالعه، از مصاحبه استفاده شد. اعتبار ابزار از طریق کسب نظر سه گروه از استادان جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و اقتصاد به صورت صوری به دست آمد. آلفای گویه‌های به کاررفته در پرسشنامه ۰/۷۸۳ است.

یافته‌های تحقیق

از میان نمونه ۲۰۵ نفری، تحصیلات ۵/۴ درصد افراد زیردیپلم، ۴۴/۹ درصد دیپلم، ۲۳/۹ درصد فوق‌دیپلم و ۲۵/۹ درصد لیسانس است. همان‌طور که در تبلیغات و آگهی‌های مختلف استخدام برای مشاغل غیررسمی شاهد هستیم، یکی از شرایط استخدام مجرد بودن متقاضی است، اما چنانکه ملاحظه می‌شود، از کل نمونه مورد بررسی، ۶۰ درصد مجرد و ۴۰ درصد متأهل هستند که این خود بیانگر تمایل زنان متأهل به حضور در عرصه عمومی است. نحوه ورود به اشتغال در ۵۷/۱ درصد خودانگیخته (براساس تمایل درونی) و در ۴۲/۹ درصد برانگیخته (تأثیر عوامل اجتماعی) است؛ یعنی در بیشتر موارد، انگیزه‌های درونی فرد مانند تمایل به پیشرفت، تغییر جایگاه اجتماعی و... سبب حضور زن در عرصه اشتغال می‌شوند، اما تأثیر عوامل اجتماعی نیز پررنگ و مشهود است.

از کل نمونه مورد بررسی، ۴۴/۹ درصد فروشنده، ۱۱/۲ درصد مغازه‌دار (صاحبان بوتیک) و ۴۳/۹ درصد منشی هستند. این آمار نشان می‌دهد تنها ۱۱/۲ درصد این زنان توانسته‌اند به صورت خویش‌فرما اشتغال داشته باشند. در این مطالعه، دامنه سنی، از ۱۶ سال تا ۶۲ سال، با میانگین سنی ۲۹ سال است و در میان آن‌ها، زنان ۶۲ ساله را می‌توان در گروه خودشاغل دید. این افراد، اغلب با استفاده از پایگاه اقتصادی-اجتماعی خود وارد این مشاغل می‌شوند. سن ۱۶ سال نیز مربوط به گروه فروشندگان است که علی‌رغم اینکه زیر سن قانونی برای اشتغال هستند، از سوی کارفرمایان جذب بازار کار می‌شوند. میانگین سابقه فعالیت زنان مورد مطالعه ۶/۸ سال، کمترین میزان سابقه ۱ سال و بیشترین مقدار ۲۰ سال

است که سابقه یک‌ساله را می‌توان در بخش‌هایی مانند منشی‌گری و فروشندگی مشاهده کرد. سابقه بیست‌ساله مربوط به افرادی است که به‌صورت خوداشتغال وارد عرصه عمومی شده‌اند.

شاخص جنسیتی شدن فضا

فضاهای شهری و آمادگی و تسهیلات آن‌ها برای زنان، از جمله امور مربوط به شهر انسان‌گرا و شهروندمدار است. برای متغیر جنسیتی شدن فضا، میانگین کمتر از حد انتظار است؛ زیرا نمرات در بازه صفر تا ۵ قابل تغییر بودند و میانگین به‌دست‌آمده برابر ۲/۳۰، کمترین مقدار برابر ۰/۷۱ و بیشترین مقدار برابر ۳/۸۶ است که این خود نشانگر جنسیتی بودن فضا به نفع مردان است.

تصور ذهنی جامعه مورد مطالعه از امنیت در عرصه عمومی

در این بخش، تصور ذهنی جامعه مورد مطالعه در باب امنیت در چهار حوزه مالی، جانی، گروهی و فکری بررسی شد. متغیر وابسته این مطالعه، احساس امنیت است. برای متغیر امنیت اجتماعی، میانگین، میانه، انحراف معیار، چولگی، کشیدگی، مینیمم و ماکزیمم محاسبه و هیستوگرام آن رسم شده است. نمرات در بازه صفر تا ۵ قابل تغییرند. میانگین امنیت اجتماعی ۲/۹۱، کمترین مقدار ۱/۳۹ و بیشترین مقدار ۴/۲۵ است. میانگین کلی جامعه مورد بررسی ۲/۹۱ و بنابراین، بیش از متوسط است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی امنیت اجتماعی

تعداد	مینگین	میانه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	مینیمم	ماکزیمم	
۲۰۵	۲/۹۱	۲/۹۳	۰/۵۷	-۰/۱۳	-۰/۴۰	۱/۳۹	۴/۲۵	امنیت اجتماعی
۲۰۵	۲/۵۷	۲/۵۷	۰/۶۷	۰/۰۳	-۰/۶۰	۰/۸۶	۴/۰۰	امنیت مالی
۲۰۵	۳/۴۱	۳/۴۳	۰/۷۹	-۰/۲۳	-۰/۶۶	۱/۴۳	۴/۸۶	امنیت جانی
۲۰۵	۳/۰۹	۳/۲۰	۱/۱۰	-۰/۴۳	-۰/۲۴	۰/۰۰	۵/۰۰	امنیت گروهی
۲۰۵	۲/۶۹	۲/۶۷	۰/۸۶	۰/۱۱	-۰/۴۱	۰/۸۹	۴/۷۸	امنیت فکری

تجربه عینی جامعه مورد مطالعه از امنیت اجتماعی

در این مرحله از تحقیق، تجربه عینی جامعه مورد مطالعه بررسی شد. براین اساس، پنج گروهی که به زنان مورد مطالعه آسیب می‌زنند، شناسایی شدند که عبارت‌اند از: رهگذران و پرسه‌زنان، فروشندگان محل، مشتریان مرد، مشتریان زن و صاحب‌کاران. سپس هریک از این گروه‌ها براساس

نوع مزاحمت‌های احتمالی مطالعه شدند. انواع مزاحمت‌ها به هفت حوزه تقسیم‌بندی شد. در واقع، مطالعه پنج گروه تأثیرگذار در هفت حوزه مزاحمتی صورت گرفت.

انواع مزاحمت

براساس یافته‌ها، ۴۴/۹ درصد از پاسخگویان معتقدند هیچ نوع مزاحمتی از سوی صاحب‌کار نداشته‌اند، اما در حدود ۵۵ درصد از افراد، انواعی از مزاحمت‌ها را از سوی سوژه‌های مختلف به شرح جدول ۲ تجربه کرده‌اند. چهار اولویت نخست این مزاحمت‌ها، تقریباً در همه زمینه‌ها از بعد ترتیب وقوع و شیوع مزاحمت یکسان است که عبارت‌اند از: مزاحمت کلامی، نگاه‌های معنادار و پیشنهاد‌های زیرکانه، لمس اعضای بدن، گفتن متلک و نیز دزدی از فروشگاه.

جدول ۲. انواع مزاحمت‌ها در میان انواع مزاحمان به ترتیب شیوع و فراوانی رخداد

مزاحمت‌های صاحب‌کار	مزاحمت‌های فروشندگان داخل پاساژ	مزاحمت‌های مشتریان مرد	مزاحمت‌های مشتریان زن	مزاحمت‌های پرسه‌زنان
مزاحمت کلامی	مزاحمت کلامی	مزاحمت کلامی	مزاحمت کلامی	مزاحمت کلامی
نگاه‌های معنادار	نگاه‌های معنادار	نگاه‌های معنادار	نگاه‌های معنادار	نگاه‌های معنادار
پیشنهاد‌های زیرکانه	پیشنهاد‌های زیرکانه	پیشنهاد‌های زیرکانه	پیشنهاد‌های زیرکانه	پیشنهاد‌های زیرکانه
لمس بدن	لمس بدن	لمس بدن	لمس بدن	لمس بدن
متلک	متلک	متلک	متلک	متلک
آزار جنسی	آزار جنسی	آزار جنسی	دزدی	آزار جنسی
		دزدی		دزدی

بررسی تصور ذهنی و تجربه عینی امنیت در میان زنان شاغل در بخش اشتغال غیررسمی مطابق نتایج، میانگین امنیت اجتماعی جامعه مورد مطالعه ۲/۹۱ است که این عدد، احساس امنیت بیشتر از متوسط را نشان می‌دهد. باید توجه کرد که نمرات میانگین در بازه صفر تا ۵ قابل تغییرند. میانگین امنیت مالی ۲/۵۷ است که نشان می‌دهد احساس امنیت مالی در جامعه مورد مطالعه بیشتر از متوسط است. میانگین امنیت جانی ۳/۴۱ است که خود نشانگر میزان نسبتاً خوبی از احساس امنیت جانی در این گروه است. میانگین امنیت گروهی ۳/۰۹ است که این رقم نیز عددی نسبتاً مناسب برای احساس امنیت گروهی جامعه مورد نظر به‌شمار می‌رود. میانگین امنیت فکری برابر

۲/۶۹ نیز رقمی بیشتر از متوسط را برای احساس امنیت فکری نشان می‌دهد. در مجموع، به نظر می‌رسد در جامعه مورد مطالعه تحقیق حاضر، احساس امنیت و به تبع آن تصور ذهنی از امنیت، بیشتر از متوسط است که این عدد، زمینه مناسبی برای حضور در عرصه اشتغال فراهم می‌سازد. برای بررسی این امر، نگرش افراد پیش از ورود نیز مطالعه شد.

نگرش به مشاغل پیش از ورود

در این پژوهش، درک و دریافت زنان شاغل از شغلشان پیش از ورود به آن بررسی شده است. مطابق نتایج، ۳۸/۱ درصد پاسخگویان دارای تصویری مثبت از فضای شغلی خود بوده‌اند که این میزان، پس از ورود به شغل کاهش یافته است.

جدول ۳. تصور و نگرش به شغل پیش از ورود

نگرش	پیش از ورود	پس از ورود
بسیار خوب	۴/۴	۲/۹
خوب	۳۳/۷	۳۱/۲
متوسط	۳۶/۱	۳۳/۲
بد	۱۸	۲۱/۵
خیلی بد	۱	۱
مجموع	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰

پس از بررسی نگرش ذهنی زنان شاغل در بخش اشتغال غیررسمی مورد مطالعه، تجربه عینی این افراد نیز مطالعه شد. بدین منظور، انواع آسیب‌هایی که زنان جامعه مورد مطالعه در معرض آن قرار دارند، شناسایی شدند که عبارت‌اند از: مزاحمت‌های رهگذران و پرسه‌زنان، فروشندگان محل، مشتریان مرد، مشتریان زن و صاحب‌کاران. سپس هریک از این گروه‌ها، براساس نوع مزاحمت‌های هفت‌گانه احتمالی مطالعه شدند. زنان در گفت‌وگوهای دوستانه خود، خاطرات زیادی از انواع آزارهای کلامی و غیرکلامی تعریف می‌کنند (ایمانیان، ۱۳۸۶: ۶۳). براین اساس، مزاحمت‌های کلامی و غیرکلامی به‌طور دقیق‌تر دسته‌بندی شدند. نتایج نشان داد که ۵۵ درصد از این زنان، مزاحمت‌هایی از سوی صاحب‌کار داشته‌اند، ۵۷ درصد آنان، انواع مزاحمت‌ها را از سوی فروشندگان محل برشمرده‌اند. ۶۶ درصد از افراد، مزاحمت‌هایی از سوی مشتریان مرد داشته‌اند، ۵۸ درصد از افراد، انواعی از مزاحمت‌ها را از سوی مشتریان زن برشمرده‌اند. اعداد نشانگر آن

است که بیش از ۵۰ درصد زنان، همه انواع احساس ناامنی را تجربه کرده‌اند که این امر در نگرش آتی این افراد به این‌گونه مشاغل تأثیر بسزایی دارد؛

یافته‌های استنباطی

بررسی نرمال‌بودن توزیع نمرات متغیرها

برای بررسی نرمال‌بودن توزیع نمرات متغیرها، از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. این آزمون برای سنجش نیکویی برازش در بررسی نمونه‌های کم‌حجم مناسب است و با توجه به اینکه حجم نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۲۰۵ نفر است، این آزمون انتخاب شد.

جدول ۴. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال‌بودن توزیع نمرات

تعداد	آمار Z کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی‌داری
۲۰۵	۰/۵۹۸	۰/۸۶۷
۲۰۵	۰/۹۴۷	۰/۳۳۲
۲۰۵	۱/۲۴۳	۰/۰۹۱
۲۰۵	۱/۲۷۰	۰/۰۸۰
۲۰۵	۰/۷۵۳	۰/۶۲۲
۲۰۵	۱/۱۴۵	۰/۱۴۵
۲۰۵	۰/۸۸۱	۰/۴۱۹
۲۰۵	۰/۸۸۸	۰/۴۰۹
۲۰۵	۰/۶۲۰	۰/۸۳۷
۲۰۵	۱/۱۶۴	۰/۱۳۳

فرضیه اول: بین نحوه ورود به اشتغال (خودانگیخته و برانگیخته) و میزان و نوع احساس امنیت زنان شاغل در بخش اشتغال غیررسمی، رابطه وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه، از آزمون t مستقل استفاده شد. فرض صفر، برابر بودن میانگین احساس امنیت اجتماعی در دو گروه خودانگیخته و برانگیخته است. اگر سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر رد خواهد شد. شرط لازم برای مقایسه میانگین‌ها، برابری واریانس متغیر وابسته در دو گروه است؛ بنابراین، آزمون برابری واریانس‌ها با آزمون لون انجام گرفت. فرض صفر، برابر بودن واریانس‌ها در دو گروه است. با توجه به سطح معناداری آزمون لون (۰/۱۹) که بیشتر از ۰/۰۵ است، برابری واریانس‌ها تأیید می‌شود. میانگین احساس امنیت اجتماعی در زنان

خودانگیزخته ۲/۸۹ و در زنان برانگیزخته ۲/۹۴، و سطح معناداری ۰/۵۷۲ است. با توجه به اینکه معناداری آزمون t بزرگتر از ۰/۰۵ است، فرض صفر رد نمی‌شود. در نتیجه، میزان احساس امنیت اجتماعی در زنان خودانگیزخته و برانگیزخته تفاوت معناداری ندارد. همچنین مؤلفه‌های احساس امنیت مالی، احساس امنیت جانی، احساس امنیت گروهی و احساس امنیت فکری در زنان خودانگیزخته و برانگیزخته دارای تفاوت معنادار نیستند.

جدول ۵. آزمون t مستقل برای مقایسه احساس امنیت اجتماعی زنان برحسب نحوه ورود به اشتغال

متغیر وابسته	نحوه ورود به اشتغال	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آزمون لون		آزمون t	
					آمار F	سطح معنی داری	آماره t	سطح معنی داری
امنیت اجتماعی	خودانگیزخته	۱۱۷	۲/۸۹۷	۰/۵۴۱۲۰	۱/۷۳۲	۰/۱۹۰	۰/۵۶۷	۲۰۳
	برانگیزخته	۸۸	۲/۹۳۵۱	۰/۵۹۹۴۶				
امنیت مالی	خودانگیزخته	۱۱۷	۲/۵۷۸۸	۰/۶۸۲۲۵	۰/۰۱۰	۰/۹۲۱	۰/۱۸۰	۲۰۳
	برانگیزخته	۸۸	۲/۵۶۱۷	۰/۶۶۰۱۱				
امنیت جانی	خودانگیزخته	۱۱۷	۳/۳۴۹۲	۰/۷۹۸۱۴	۰/۰۴۳	۰/۸۳۶	-۱/۳۵۲	۲۰۳
	برانگیزخته	۸۸	۳/۵۰۰۰	۰/۷۷۹۴۶				
امنیت گروهی	خودانگیزخته	۱۱۷	۳/۱۰۷۷	۱/۰۰۲۶۰	۵/۲۵۴	۰/۰۲۳	۰/۲۴۶	۱۶۴/۹۶
	برانگیزخته	۸۸	۳/۰۶۸۲	۱/۲۲۸۳۶				
امنیت فکری	خودانگیزخته	۱۱۷	۲/۶۶۵۷	۰/۸۵۹۴۹	۰/۱۱۰	۰/۷۴۱	-۰/۴۵۴	۲۰۳
	برانگیزخته	۸۸	۲/۷۲۱۰	۰/۸۶۷۷۲				

فرضیه دوم: بین حوزه فعالیت و میزان و نوع احساس امنیت زنان شاغل در بخش اشتغال غیررسمی، رابطه معنادار وجود دارد.

برای آزمون این فرضیه، از آنالیز واریانس یک طرفه استفاده شد. فرض صفر در آنالیز واریانس، برابری میانگین متغیر وابسته در همه سطوح متغیر مستقل است. اگر سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ باشد، فرض صفر رد می‌شود. سطح معناداری آنالیز واریانس ۰/۰۱ است. با توجه به کوچک‌تر بودن سطح معناداری آنالیز واریانس از ۰/۰۵، فرض صفر رد می‌شود. در نتیجه، میزان احساس امنیت اجتماعی زنان در حوزه‌های مختلف فعالیت، تفاوت معنادار دارد. همچنین مؤلفه‌های احساس امنیت گروهی و احساس امنیت فکری زنان در حوزه‌های مختلف فعالیت،

دارای تفاوت معنادار است، اما احساس امنیت مالی و احساس امنیت جانی در زنان، در حوزه‌های مختلف فعالیت تفاوت معنادار ندارند. حوزه فعالیت زنان به دو بخش خوداشتغال و کارکن (منشی و فروشنده) تقسیم می‌شود. به نظر می‌رسد زنانی که به صورت خوداشتغال وارد عرصه کار می‌شوند، یعنی زنان خودشاغل، از طریق یک حامی قدرتمند معرفی و وارد بازار کار می‌شوند و به کمک این حامی، منابع اطلاعاتی و ارتباطات جدید و در نتیجه سرمایه اجتماعی قوی به دست می‌آورند. برر^۱ به این پدیده «قدرت انعکاسی» می‌گوید؛ چراکه با همکاری افراد قدرتمند به دست می‌آید. با توجه به موقعیت، روابط و با توجه به داشتن شبکه ارتباطی قوی این زنان، دسترسی آن‌ها به فرصت‌ها، اطلاعات، منابع مادی و موقعیت اجتماعی افزایش می‌یابد؛ چراکه به طور کلی، موقعیت این افراد با توجه به دسترسی‌شان به سرمایه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تعیین می‌شود.

جدول ۶. نتایج آنالیز واریانس برای بررسی رابطه حوزه فعالیت و امنیت اجتماعی

سطح معنی‌داری	مقدار F	انحراف معیار	میانگین	تعداد	حوزه فعالیت	
۰/۰۱۰	۴/۷۱۸	۰/۵۷۳۴۶	۲/۷۷۸۰	۹۲	فروشنده	احساس امنیت اجتماعی
		۰/۵۴۱۲۸	۲/۹۷۸۳	۲۳	مغازه‌دار	
		۰/۵۴۱۰۸	۳/۰۲۵۷	۹۰	منشی	
۰/۴۸۰	۰/۷۳۶	۰/۷۱۱۹۲	۲/۵۶۸۳	۹۲	فروشنده	امنیت مالی
		۰/۵۸۶۶۱	۲/۴۲۲۴	۲۳	مغازه‌دار	
		۰/۶۴۹۶۴	۲/۶۱۲۷	۹۰	منشی	
۰/۴۴۲	۰/۸۲۰	۰/۸۱۴۸۷	۳/۳۳۵۴	۹۲	فروشنده	امنیت جانی
		۰/۶۷۲۰۴	۳/۴۷۲۰	۲۳	مغازه‌دار	
		۰/۷۹۶۷۸	۳/۴۷۹۴	۹۰	منشی	
۰/۰۰۲	۶/۲۰۰	۱/۱۴۵۴۶	۲/۷۹۷۸	۹۲	فروشنده	امنیت گروهی
		۱/۰۱۷۹۴	۳/۳۵۶۵	۲۳	مغازه‌دار	
		۱/۰۱۳۴۸	۳/۳۲۲۲	۹۰	منشی	
۰/۰۲۳	۳/۸۴۷	۰/۸۸۵۷۲	۲/۵۰۷۲	۹۲	فروشنده	امنیت فکری
		۰/۹۱۸۴۵	۲/۸۱۶۴	۲۳	مغازه‌دار	
		۰/۷۹۲۱۶	۲/۸۴۲۲	۹۰	منشی	

حداقل تفاوت معناداری فیشر^۱

از آنجاکه در این مطالعه، سه گروه پاسخگو و پنج بعد احساس امنیت وجود دارد، از آزمون LSD استفاده شده است. این آزمون، یکی از قدیمی‌ترین و قوی‌ترین آزمون‌ها برای مقایسه پس از تجربه است. در صورتی که تعداد میانگین‌ها بیشتر از سه مورد نباشد، بهتر است از این آزمون استفاده شود. در اینجا سه میانگین وجود دارد (فروشنده، مغازه‌دار، منشی). با توجه به این امر، آزمون مقایسه ترکیب‌های جفتی انجام گرفت و این مرحله برای هریک از ابعاد امنیت نیز اجرا شد. این آزمون، معادل آزمون t با دو نمونه مستقل است که به صورت جداگانه، بین همه جفت‌های گروه‌ها انجام می‌شود. براساس یافته‌های جدول (سطح معناداری $0/003$)، بین احساس امنیت کل فروشندگان با منشی‌ها تفاوت معنادار وجود دارد. با مقایسه سه گروه فروشنده، منشی و مغازه‌دار می‌توان مشاهده کرد که امنیت گروهی فروشندگان، تفاوت معناداری با دو جامعه دیگر دارد؛ به نحوی که سطح معناداری تفاوت بین فروشنده و مغازه‌دار $0/27$ و سطح معناداری تفاوت بین فروشنده با منشی $0/001$ است. بین مغازه‌دار و منشی تفاوت معناداری وجود ندارد. در بعد امنیت فکری هم تنها بین فروشنده و منشی تفاوت معنادار وجود دارد ($0/008$) و بین زنان مغازه‌دار با منشی یا مغازه‌دار با فروشنده تفاوت معناداری مشاهده نمی‌شود.

جدول ۷. نتایج آزمون تعقیبی LSD برای مقایسه‌های دوتایی

سطح معنی‌داری	خطای معیار اختلاف	میانگین اختلاف (I-J)	حوزه فعالیت (J)	حوزه فعالیت (I)	
0/124	0/12960	-0/20031	مغازه‌دار	فروشنده	احساس امنیت اجتماعی
0/003	0/8242	-0/24776*	منشی	فروشنده	
0/124	0/12960	0/20031	فروشنده	مغازه‌دار	
0/715	0/12989	-0/04745	منشی	مغازه‌دار	
0/003	0/08242	0/24776*	فروشنده	منشی	امنیت گروهی
0/715	0/12989	0/04745	مغازه‌دار	منشی	
0/027	0/25070	-0/55870*	مغازه‌دار	فروشنده	
0/001	0/15944	-0/52440*	منشی	فروشنده	
0/027	0/25070	0/55870*	فروشنده	مغازه‌دار	امنیت فکری
0/892	0/25126	0/03430	منشی	مغازه‌دار	
0/001	0/25126	0/52440*	فروشنده	منشی	
0/892	0/25126	-0/03430	مغازه‌دار	منشی	
0/120	0/19806	-0/30918	مغازه‌دار	فروشنده	
0/008	0/12596	-0/33596*	منشی	فروشنده	
0/120	0/19803	0/30918	فروشنده	مغازه‌دار	
0/893	0/19850	-0/02678	منشی	مغازه‌دار	
0/008	0/12596	0/33596*	فروشنده	منشی	
0/893	0/19850	0/02678	مغازه‌دار	منشی	

1. Fisher Least Significant Difference (Fisher LSD)

بحث و نتیجه گیری

شهرنشینی در ایران، علاوه بر بعد کمی، از ابعاد کیفی نیز متحول شده است. این تغییرات کیفی، بسیار پیچیده و درعین حال گسترده است که دسترسی و حضور بیشتر زنان در عرصه‌های عمومی و تجاری شهرها، یکی از این تغییرات محسوب می‌شود. این مطالعه، با توجه به افزایش حضور زنان در عرصه‌های خدماتی و تجاری شهری در سالیان اخیر در شهر همدان، با استفاده از رویکرد مکتب کپنهاگ انجام گرفت. امنیت اجتماعی در این تحقیق، شامل دو بعد عینی و ذهنی است. امنیت اجتماعی، اولین بار به وسیله باری بوزان مطرح شد. او امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح کرد و اظهار داشت تهدیدهای امنیتی در دامنه‌ای وجود دارند که به‌طور ذهنی (احساس امنیت) نیز قابل تجربه‌اند. در تحقیق حاضر، امنیت از بعد ذهنی آن (یعنی احساس امنیت) در مقابل عوامل بیرونی مورد توجه واقع شده است. عوامل بیرونی شامل سه حوزه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است که در این تحقیق، تنها به بخش اجتماعی آن توجه شده است. از دیدگاه بوزان، امنیت اجتماعی عبارت است از توانایی گروه‌های مختلف صنفی، قومی، محلی و... در حفظ هستی و هویت خود. درحقیقت، امنیت از نظر بوزان، فراغت از تهدید هویت جمعی و گروهی است. در این پژوهش، احساس امنیت زنان بررسی شد. مطابق نتایج، میزان امنیت زنان مورد مطالعه، در بعد ذهنی و احساسی در مقایسه با بعد عینی و تجربه‌شده امنیت، قابل قبول‌تر است؛ به‌نحوی که در کل، احساس امنیت که ذهنی است، در میان این افراد بیشتر از متوسط است؛ درحالی که بیش از ۵۰ درصد از نمونه پژوهش، تجاربی از ناامنی عینی داشته‌اند.

حضور زنان در عرصه عمومی، با جهت‌گیری‌های مختلفی همراه است. این دیدگاه‌ها شامل دیدگاه منفی، دیدگاه مثبت و دیدگاه مشروط است. دیدگاه منفی، بر وظایف فطری مادری، مسئولیت زن در قبال خانواده و فرزندان، و حضور دائم زنان در خانه تأکید می‌کند. در مقابل، طرفداران دیدگاه مثبت معتقدند که باید زمینه را برای فعالیت و اشتغال زنان در زمینه‌های مختلف در اجتماع فراهم آورد و اشتغال زنان در این میان جایگاه مهمی دارد. دیدگاه مشروط، اشتغال و مشارکت زنان را می‌پذیرد، اما این پذیرش بر شرایطی استوار است. در این نگرش، وجود قوانین و تسهیلات لازم برای حمایت و تسهیل اشتغال زنان و حضور اجتماعی آنان ضروری است تا یک زن بتواند نقش‌های متنوع را با تعارض کمتر به انجام برساند. با توجه به یافته‌های تحقیق، مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر احساس امنیت را جنسیت تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر، صرف زن بودن، بیش و پیش از سن و تحصیلات و نوع فعالیت و پایگاه، برای زنان ایجاد ناامنی می‌کند. شاید به همین دلیل است که براساس یافته‌های این

مطالعه، نگرش زنان به فعالیت در پاساژ، پس از ورود منفی تر هم شده است. مهم ترین مشوق دختران و زنان برای ورود به پاساژ، نه خانواده‌ها که خود آنان و دوستانشان بوده‌اند. به نظر می‌رسد با کاهش میزان چیرگی جنسیتی فضا به کمک افزایش حضور زنان، باید شوراها و مدیران شهری در شهرسازی و نظارت و سیاست‌گذاری شهری بر این مهم و نیازهای خاص زنان توجه بیشتری داشته باشند. همچنین با راهیابی مسئله «جنسیت» به برنامه‌های توسعه شهری - که هدف از آن پاسخگویی به مسئله جنسیت در دستورالعمل‌ها، سیاست‌ها، طرح‌ها و خدمات بخش‌های گوناگون سازمان است - می‌توان «حضور مؤثرتر زنان» در جامعه را تسهیل کرد. تنها برای نمونه می‌توان اشاره کرد که نظام بیمه و حقوق صنفی این دسته از زنان - که میانگین دریافتی آنان حدود ۳۰۰ هزار در ماه برای حدود ده ساعت کار است - بسیار مهم و ضروری است. همچنین تعیبه اتاق کودک و شیردهی و استراحت، سرویس‌های بهداشتی مخصوص بانوان و صدور کارت مباشرت، پوشش حداقل دستمزد و... را می‌توان از جمله این تسهیلات به‌شمار آورد.

منابع

- امینی، محمدتقی؛ پیرعلی، علی‌رضا و سیادت، سعیده (۱۳۹۴)، «راهبردهای بهبود احساس امنیت اجتماعی (مورد مطالعه: شهروندان شهر شیراز)»، *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، شماره ۱۵: ۲۷-۶۲.
- ایمانیان، الهه (۱۳۸۶)، *خشونت خانگی علیه زنان*، همایش بررسی مسائل اجتماعی جوانان، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرائم)»، *فصلنامه علمی-پژوهشی انتظام اجتماعی*، شماره ۱: ۹-۲۹.
- _____ (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی احساس امنیت*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*، تهران: انتشارات شهیدی.
- جهان‌آرای، ثریا (۱۳۸۹)، *بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در میان مادران کودکان کم‌توان ذهنی آموزش‌پذیر شهرستان اسلامشهر*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه الزهرا.
- درویش‌پور، مهرداد (۱۳۸۰)، *چالش‌گری زنان علیه نقش مردان*، استکهلم: نشر باران.
- ربانی، رسول و افشارکهن، جواد (۱۳۸۳)، *شهرنشینی و امنیت، تحقیق در عوامل و شرایط مؤثر بر امنیت شهرها از دید شهروندان*، نقل در *مجله الکترونیکی ویستا* به آدرس: <http://vista.ir>
- طاهری، زهرا و ربانی، رسول (۱۳۹۰)، «بررسی احساس امنیت در بین اقبال آسیب‌پذیر جامعه (مورد مطالعه: شهروندان اصفهانی)»، *دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، شماره ۱: ۹۱-۱۲۲.

- علیخواه، فردین و نجیبی ربیعی، مریم (۱۳۸۵)، «زنان و ترس از جرم در فضاهای شهری»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۲: ۱۰۹-۱۳۲.
- فروتن، یعقوب (۱۳۹۰)، «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران»، زن در توسعه و سیاست، شماره ۲: ۳۹-۸۰.
- کلمتس، کوین (۱۳۸۴)، «به سوی جامعه‌شناسی امنیت»، ترجمه محمدعلی قاسمی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲: ۲۸۱-۳۱۰.
- گودرزی، سعید؛ زاهدی، محمدجواد؛ ربیعی، علی و نقدی، اسداله (۱۳۹۴)، «تبیین برهم‌کنش سطوح خرد و کلان امنیت در کشور»، فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، شماره ۲: ۲۱۹-۲۴۷.
- لنگ، جان (۱۳۸۶)، آفرینش نظریه معماری، ترجمه علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات موسسه چاپ و نشر دانشگاه تهران
- مختاری مریم و همکاران (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی در شهر یاسوج»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، شماره ۲: ۲۱-۴۰.
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹)، طراحی فضای شهری، نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- مصفا، نسرين (۱۳۸۵)، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- مطلبی، قاسم (۱۳۸۵)، «رویکرد انسانی به شکل‌دهی فضاهای شهری»، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۷: ۵۷-۶۶.
- نادری، سارا (۱۳۹۲)، درآمدی بر روایت زنانه از شهر، کاوشی نظری در خوانش تجربه‌های زنانه از شهر، تهران: نشر تیسرا.
- نقدی، اسدالله (۱۳۹۲)، انسان و شهر (جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی شهری)، همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.
- Adu-Mireku, S. (2002), "Fear of Crime among Residents of Three Communities in Accra, Ghana", **International Journal of Comparative Sociology**, No. 2: 153-168.
- Bartky, S. L. (1990), **Femininity and Domination: Studies in the Phenomenology of Oppression (Thinking Gender)**, New York: Routledge Publishing.
- Ellin, N. (1997), **The Architecture of Fear**, London: Princeton Architectural Press.
- Gabriel, U. and Greve, W. (2003), "The Psychology of Fear of Crime: Conceptual and Methodological Perspectives", **British Journal of Criminology**, No. 3: 600-614.
- Leavitt, J. (1986), **Feminist Advocacy Planning in the 1980s**, In Strategic Perspectives in Planning Practice, edited by Barry Checkoway, Lexington, MA: Lexington Books.
- Pantazis, C. (2000), "Fear of Crime, Vuunerability and Poverty: Evidence from the British Crime Survey", **The British Journal of Criminology**, No. 40: 3-24.

- Routledge.
- Stanko, E. (1992), "Gender, Personal Softy and Fear of Crime", **Women and Criminal Justice**, No. 4: 117-135.
- Will, J. A. and John H. M. (1995), "Crime, Neighborhood Perceptions, and The Underclass: The Relationship Between Fear of Crime and Class Position", **Journal of Criminal Justice**, No. 2: 163-179.

